

## شرایط و قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوق عمومی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه

حمید تقی زاده<sup>۱</sup>

علی چهکندی نژاد<sup>۲</sup>

سید حسن هاشمی<sup>۳</sup>

### چکیده

با رشد اشخاص حقوقی، بحث امکان ارتکاب جرم از سوی آنها و مسئولیت آنها در قبال انجام جرم در میان حقوق دانان دنیا شکل گرفت. بدیهی است با توجه به ماهیت متفاوت اشخاص حقوقی نسبت به اشخاص حقیقی، مجازات‌های قابل اعمال بر این اشخاص هم باید در مواردی متفاوت از اشخاص حقیقی باشد. ماده‌ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی حقوق ایران، به تعیین مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی اختصاص یافته است. نوظهور بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران - به عنوان یک اصل - و مسبوق به سابقه بودن این موضوع در نظام کیفری فرانسه، فرصت مغتنمی را برای مطالعه تطبیقی این دو نظام فراروی این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، نهاد. نظام‌های کیفری فرانسه و ایران با درک این واقعیت، ضمانت اجراهای بایسته‌هایی چون جریمه، ممنوعیت از فعالیت شغلی و حرف‌هایی، ممنوعیت از افزایش سرمایه، ممنوعیت از صدور سندهای تجاری و انتشار حکم محکومیت برای این منظور در نظر گرفته‌اند.

### واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، اشخاص حقوق عمومی، ایران، فرانسه، مسئولیت دولت

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران، h.taghizade1363@yahoo.com

۲. دکترای تخصصی، استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران، نویسنده مسئول، a.chekandinjd@gmail.com

۳. دکترای تخصصی، دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران، h.hashemi9878@gmail.com

## مقدمه

در آخرین رویکردهای مطالعاتی در زمینه‌ی جنایی این مسئله مورد قبول است که به جز معرفت و آگاهی در مورد موضوع و حکم، تعلق اراده به تحقق عینی و خارجی اندیشه‌ی مخالف قانون نیز شرط تکوین قصد جنایی است. اصولاً اهلیت جنایی<sup>۱</sup> که به همه ابعاد روانی لازم برای امکان انتساب رفتار مجرمانه به فاعل اطلاق می‌شود؛ جز بر اساس دو رکن آگاهی و اراده برقرار نمی‌شود. اهلیت جنایی، خود نیز، پیش شرط مسئولیت کیفری، یعنی التزام شخص به تحمل نتایج رفتار مجرمانه است. به همین دلیل، بدون احراز اهلیت جنایی، تحقق مسئولیت کیفری میسر نخواهد بود. حال، محل بحث است که آیا ارتکاب جرم فقط به وسیله‌ی انسان ممکن است؟ آیا شعور و اراده، صرفاً برای اشخاص حقیقی مطرح می‌شود، یا می‌توان این دو را برای اشخاص حقوقی نیز در نظر گرفت؟ بر این اساس، زمینه‌ی درک مسئولیت کیفری آنان را فراهم ساخت؟ بی‌گمان، مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از غامض‌ترین مباحث حقوقی است؛ زیرا در بادی امر مسئولیت کیفری به اشخاص حقیقی واجد جسم و خون و روح معطوف می‌باشد. اینکه آیا فقدان اوصاف مزبور نزد اشخاص حقوقی با نفی مسئولیت کیفری آنها ملازمه‌ای دارد، پرسشی است که پاسخ یکسانی به آن داده نشده است.

طرح بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نظریات مربوط به آن به این دلیل است که بسیاری از جرایم مختلف مانند جرایم زیست محیطی توسط اشخاص حقوقی حقوق عمومی صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup>

برخی در مقام مخالفت، اعتقاد خود را بر عدم مسئولیت کیفری موسسات دولتی-عمومی اینگونه تعلیل کرده‌اند که وظیفه تأمین منافع جمعی و آسایش جامعه و نیز تعقیب و مجازات بزهکاران بر عهده دولت است و حال این نهاد قدرت چگونه می‌تواند خود را مجازات کند؟ وانگهی کیفر دولت ناقض اصل تفکیک قوا در قلمروی داخلی و تضعیف کننده جایگاه آن در عرصه بین‌المللی است.<sup>۳</sup>

1. Criminal Capacity.

۲. دانا، امیررضا و همکاران، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی نسبت به جرایم زیست محیطی، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۴۰۰، ص ۷۲۸

۳. شریفی، محسن و همکاران، دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲

همچنین، در حقوق داخلی پذیرش مسئولیت کیفری برای دولت به معنای مجرم بودن دولت است و این یعنی زیر سوال رفتن کل حاکمیت. در مورد مجازات‌های قابل اعمال در مواردی که مسئولیت متوجه دولت می‌شود، فقط جزای نقدی و ممنوعیت از چند نوع قابل اعمال است.<sup>۱</sup>

ماده‌ی ۲۰ قانون مجازات اسلامی حقوق ایران، به تعیین مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی اختصاص یافته است؛ این ماده چنین مقرر می‌دارد: در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده‌ی ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود؛ این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف) انحلال شخص حقوقی، ب) مصادره کل اموال. پ) ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر به مدت ۵ سال. ت) ممنوعیت از دعوت مجمع عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر به مدت ۵ سال. ث) ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر به مدت ۵ سال. ج) جزای نقدی. چ) انتشار حکم محکومیت به وسیله‌ی رسانه‌ها ... تمامی این ضمانت اجراها همان‌گونه که در تبصره‌ی ماده‌ی ۱۴ ذکر شده است؛ از نوع مجازات‌های تعزیری هستند که در ماده‌ی ۱۹ احصاء و دسته‌بندی شده‌اند و مطابق همان ماده، هرکدام در یکی از دسته‌های ۸ گانه جای می‌گیرند؛ بنابراین دادگاه در تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی، حسب مورد موارد مذکور در ماده‌ی ۱۸ را رعایت خواهد کرد. در صدر ماده‌ی ۲۰ هم بیان شده است که شخص حقوقی با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از مجازات‌های مذکور در ماده محکوم می‌شود؛ بنابراین قاضی جزایی حین صدور حکم باید شدت و ضعف جرم ارتكابی و میزان خسارت‌هایی که از جرم حاصل شده است را مد نظر قرار دهد. مقررات مربوط به مجازات‌های تعزیری مانند تخفیف، سقوط و ... هم حسب مورد با توجه به ماهیت اشخاص حقوقی در مورد آنها اعمال می‌شود. نظام کیفری فرانسه نیز از رهگذر مسئولیت غیرمستقیم<sup>۲</sup> یا عاریه‌ای<sup>۳</sup>، یعنی ارتكاب جرم از طریق نمایندگان یا نهادهای قانونی اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری را در

۱. مرادی، محمد و همکاران، مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و شورای اروپا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۷، ۱۴۰۰، ص ۱۶۱

2. Indirect Responsibility.

3. Vicarious Responsibility.

قبال عموم جرائم اعم از عمدی، غیرعمدی، با مسئولیت مطلق و نیازمند عنصر روانی بر آنها تحمیل کرده است. همچنین در نظام مزبور طیف گسترده‌ای از ضمانت اجراهای مالی و غیرمالی متناسب با ماهیت اشخاص حقوقی انتقاعی و غیرانتقاعی پیش‌بینی شده تا از این طریق به هدف‌های معتنا به مجازات جامعه‌ی عمل پوشانده شود.

## گفتار اول: مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوق عمومی

ارتکاب جرم از طرف تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مستلزم تحقق ارکان مادی و معنوی آن جرم است؛ لکن همان‌گونه که می‌دانیم، اشخاص حقوقی وجود عینی و ملموس ندارند تا بتوانند به این اعتبار رکن مادی جرم را مرتکب شوند و رکن معنوی جرم را دارا باشند. حقوق کیفری بر یک رویکرد فردگرایانه‌ی مسئولیت اتکا دارد. علت وجودی حقوق کیفری، تعاریف و ارکان جرم، مسئولیت کیفری و عوامل تأثیرگذار بر آن و کیفیت اجرایی مقررات کیفری از جمله حوزه‌هایی هستند که به شدت متأثر و در معرض تحلیل فردی قرار دارند (عبداللهی ۱۳۸۹: ۱۴۷). طبعاً در این رویکرد، انتساب جرم به شخص حقوقی و طرح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود. لکن مهم‌ترین مانع در این راه، مسئله اسناد تقصیر است. اسناد تقصیر به اشخاص حقوقی دشوار است. مایکل مور دلیل آن را استلزام دو اصل عقلانیت [۳] و استقلال فردی [۴] در اسناد تقصیر می‌داند.

### بند اول: نظریه مغز متفکر

با وجود موانعی که پیرامون اسناد جرم به شخص حقوقی و مسئولیت کیفری آن وجود دارد، نظام‌های کیفری مختلف روش‌های متفاوتی برای حل آن ارائه کرده‌اند. در برخی کشورها مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بر اساس نظریه «مغز متفکر» [۶] تعیین نموده‌اند؛ یعنی عمل ارکان و نمایندگان اصلی شخص حقوقی را به منزله عمل شخص حقوقی دانسته و جرم را به شخص حقوقی نسبت می‌دهند. این نظریه مبتنی بر دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی است و برای اشخاص حقوقی به خودی خود و بی‌واسطه قائل به مسئولیت کیفری نیست و بر این فرض مبتنی است که اشخاص حقوقی، از طریق نمایندگان فردی خود مرتکب جرم می‌شوند، لذا به دنبال احراز تقصیر کیفری فردی و انتساب آن به شخص حقوقی است. به این نظریه، نظریه شناسایی هم گفته شده است (کلارکسون ۱۳۹۰: ۲۳۲). این رویکرد در تعقیب شرکت‌های بزرگ که ساختار پیچیده و

گسترده‌ای دارند مشکل ساز می‌شود؛ به این ترتیب که نمی‌توان شخص خاصی را مورد شناسایی قرار داد که عناصر متشکله جرم را مرتکب شده باشد. محدودیت دیگر این نظریه آن است که اجرای آن فقط هنگامی ممکن است که مغز متفکر یا همان رکن و نماینده اصلی در حال انجام وظیفه مدیریتی خود باشد؛ بنابراین اگر مدیر شرکت در حین راندگی کسی را زیر بگیرد، از آنجا که راندگی از جمله وظایف مدیریتی به شمار نمی‌رود، شرکت مسئول نخواهد بود.

### بند دوم: مسئولیت مافوق و کارفرما

نظریه دیگری که در برخی کشورها پذیرفته شده «مسئولیت مافوق یا کارفرما» [۷] یا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ناشی از قصور در اعمال نظارت و کنترل است. به موجب این نظریه در مواردی که در اثر فقدان نظارت و کنترل صحیح بر اعمال زیردستان، جرمی ارتکاب یابد و یکی از افرادی که در شخص حقوقی سمت ارشد و هدایت‌کننده داشته است در این فقدان نظارت یا مدیریت صحیح مقصر باشد، به گونه‌ای که مجموعه ساختار و رویه شخص حقوقی را بتوان در ارتکاب این جرم مقصر دانست، شخص حقوقی به خاطر جرایم این کارکنان مسئولیت کیفری خواهد داشت. این نظریه بر فرضیه واقعی بودن اشخاص حقوقی مبتنی است و بر این باور شکل گرفته که تقصیر کیفری را می‌توان در ساختار، رویه و سیاست شخص حقوقی جستجو کرد. این نظریه این حُسن را دارد که تمامی ارکان شخص حقوقی را وادار می‌کند تا نظارت کافی بر رفتار زیردستان و بر ساختار شخص حقوقی داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت مجازات برای شخص حقوقی مقرر خواهد شد و این مجازات بر همه آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. در انگلستان «دکترین تجمیع» مورد پیشنهاد قرار گرفت که به موجب آن قابلیت سرزنش لازم برای تحقق جرم از تلفیق اعمال جمعی اشخاص مختلفی درون شرکت به وجود می‌آید (کلارکسون ۱۳۹۰: ۲۳۲). این دکترین به مثابه نظریه مسئولیت کارفرماست.

### بند سوم: نگاهی تطبیقی به نظریات مختلف در کشورهای مختلف

در حقوق جزای فرانسه، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بیشتر بر اساس نظریه مغز متفکر است و در حالت کوتاهی در اعمال نظارت و پیشگیری، معمولاً مسئولیت اداری یا مدنی در پی خواهد آمد. ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای این کشور بیان می‌دارد:

«اشخاص حقوقی به استثنای دولت برمبنای تمایزهای ماده‌ی ۴-۱۲۱ تا ماده‌ی ۷-۱۲۱ نسبت

به بزه‌هایی که به حساب آن‌ها توسط نهادها و نمایندگانشان صورت می‌گیرد از لحاظ کیفری مسئول می‌باشند. با این همه، شوراهای محلی و گروه‌هایشان از نظر کیفری مسئول نمی‌باشند مگر برای بزه‌های ارتكابی در اجرای فعالیت‌هایی که می‌توانند موضوع قرارداد واگذاری خدمات عمومی واقع شوند. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با رعایت مقررات بند چهارم ماده‌ی ۳-۱۲۱ مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی مباشر یا معاون همین اعمال نیست». البته پس از اصلاحات سال ۲۰۰۰ در کد مجازات این کشور، نظریه مسئولیت کارفرما هم تا حدودی پذیرفته شده است؛ به گونه‌ای که جرایم غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی یا تقصیر که توسط مأمورین و مقامات زیر دست و در اثر کوتاهی مقامات مافوق ارتکاب می‌یابند، تحت شرایطی قابل انتساب به شخص حقوقی هستند.

در انگلستان هم نظریه مغز متفکر، پذیرفته شده است. به گونه‌ای که رویه مجلس اعیان این است که فقط جرایم نمایندگان اصلی و مقامات بلند مرتبه شخص حقوقی را به حساب آن می‌گذارد؛ مگر در مورد بعضی جرایم مادی صرف لکن در سال‌های اخیر، نظریه مسئولیت کارفرما هم مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که قوانین تازه‌ای وضع شدند که فقدان نظارت و پیشگیری کافی از صدمات جانی را موجب مسئولیت شخص حقوقی می‌دانند.

در ایالات متحده آمریکا، مسئله متفاوت است؛ بدین ترتیب که طبق حقوق فدرال، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در تمامی موارد بر اساس نظریه مسئولیت کارفرما است. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به شدت گسترش یافته است و در موارد زیادی عمل مجرمانه تمامی کارکنان و مقامات اشخاص حقوقی (هر چند در رده‌های پایین سازمان قرار داشته باشند) به شرط این که واقعاً یا ظاهراً در مقام انجام وظیفه برای شخص حقوقی و حداقل تا حدی به قصد تأمین منافع آن ارتکاب یابد، حتی اگر با سیاست کلی شخص حقوقی مغایرت داشته باشد، به نام شخص حقوقی گذاشته می‌شود و مسئولیت کیفری آن را به دنبال دارد. در ایالات متحده حتی اگر مدیران شخص حقوقی تدابیر لازم و متعارف برای پیشگیری از جرم را اتخاذ کرده باشند، از مسئولیت کیفری معاف نمی‌شوند. این گونه افراط در توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عواقب سوئی دارد؛ بدین نحو که چون اشخاص حقوقی هیچ‌گونه راه دفاعی در برابر اتهامات ندارند، مجبورند در برابر دادستانی حتی اتهامات بی‌اساس را هم پذیرفته و اقرار به ارتکاب جرم کنند و این موجب دلسردی آن‌ها برای ادامه فعالیت شده و به مرور رونق تولید را از بین می‌برد (یوسفیان شوره‌دلی ۱۳۹۰: ۳۸۷).

## بند چهارم: رویکرد قانونگذار ایران

در قوانین ایران، ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای (ماده ۷۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) هر دو نظریه را به صورت توأمان پذیرفته است. در برخی‌ها بندها مسئولیت کیفری شخص حقوقی مطابق نظریه مغز متفکر و در برخی دیگر منطبق بر نظریه مسئولیت کارفرماست.

لکن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که محل اصلی بحث ماست، در ماده ۱۴۳ با مقرر داشتن ضابطه نمایندگی، نظریه مغز متفکر را پذیرفته است. البته این نظریه در مورد محکومیت به مجازات‌های تعزیری ماده ۲۰ پذیرفته شده است، لکن در مورد محکومیت به دیه، مطابق تبصره ماده ۱۴، نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما مورد پذیرش قرار گرفته است. در این مورد در مقاله راجع به مجازات‌های اشخاص حقوقی بیشتر بحث شده است. در این ماده آمده است:

«... شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...».

پذیرش این نظریه دایره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را محدود می‌کند؛ زیرا تنها جرایمی که توسط نماینده قانونی (با تفسیری که از آن خواهد آمد) انجام می‌شود، قابل انتساب به شخص حقوقی است.

حال باید دید منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی چیست؟ لازم است برای فهم این مهم به مفهوم نظریه نمایندگی در حقوق مدنی نگاهی بیندازیم. نمایندگی در دکتترین حقوق مدنی بدین نحو تعریف شده است:

«نمایندگی عنوانی است که بر مبنای آن شخصی (نماینده) بنام و به حساب شخص دیگری (اصیل) اقدام به انجام اعمال حقوقی یا اعمال مادی می‌کند؛ به گونه‌ای که آثار ناشی از اعمال حقوقی یا قرارداد مستقیماً متوجه شخص اصیل می‌شود» نمایندگی به سه نوع تقسیم می‌شود:

نوع اول - نمایندگی قراردادی: در این نوع از نمایندگی، ایجاد صلاحیت و اختیار برای شخص نماینده اغلب به موجب اراده اصیل صورت می‌گیرد.

نوع دوم - نمایندگی قضایی: نمایندگی قضایی در مواردی است که به موجب رأی دادگاه تعیین می‌شود و اراده اصیل در ایجاد آن نقشی ندارد.

نوع سوم - نمایندگی قانونی: این قسم نمایندگی به موردی اطلاق می‌شود که نمایندگی نماینده از اصیل در قانون به طور مشخص پیش‌بینی شده است و لذا اراده طرفین در آن نقشی ندارد؛ مانند نمایندگی پدر و جد پدری از صغیر که در اصطلاح قانون ولایت قهری نامیده می‌شود (ماده ۱۱۸۱ و ۱۱۸۳ ق.م.ا). برخی علاوه بر ولی خاص، نمایندگی وزرا و رؤسای سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای انقلابی و غیره را به ترتیب از وزارتخانه، سازمان، مؤسسه، نهادهای انقلابی و غیره، نوعی نمایندگی قانونی به معنی اخص به شمار آورده‌اند ملاحظه می‌شود در حقوق مدنی در مورد اشخاص حقوقی، نماینده قانونی به رؤسای آن‌ها اطلاق می‌شود؛ علاوه بر آن ماده ۱۲۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ هم مقرر می‌دارد:

«مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت‌مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد».

بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان از این تعاریف در حقوق مدنی و تجارت برای مشخص کردن مفهوم و مصادیق نماینده قانونی مذکور در ماده ۱۴۳ استفاده کرد. البته ماده ۱۲۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ در بخش ششم قانون مزبور در مورد شرکت‌های سهامی آمده است، لکن می‌توان آن را به عنوان یک مقرر قانونی و اماره برای تعریف عنوان نماینده قانونی مذکور در ماده ۱۴۳، در مورد دیگر شرکت‌های تجاری و سایر اشخاص حقوقی هم مورد استفاده قرارداد.

البته عنوان مدیرعامل یا رییس از اهمیت برخوردار نیست؛ بلکه مهم شخصی است که به عنوان نفر اول در شخص حقوقی انجام وظیفه می‌کند و اختیارات به او تفویض شده است.

می‌دانیم بسیاری از تصمیمات و اقدامات در اشخاص حقوقی توسط ارکانی همچون هیئت‌مدیره، هیئت‌امنا، مجمع عمومی و... اتخاذ می‌شود؛ حال آیا می‌توانیم عنوان نماینده قانونی مندرج در ماده را به آن‌ها هم سرایت دهیم؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که وقتی تصمیم اتخاذی و عمل ارتكابی مدیرعامل را می‌توان به شخص حقوقی نسبت داد، چگونه نتوان عمل ارتكابی ارکانی همچون هیئت‌مدیره را به شخص حقوقی نسبت داد؟ عنوان مدیر به آن‌ها نیز اطلاق می‌شود و



معمولاً اختیارات و وظایفشان کمتر از مدیرعامل نیست؛ بنابراین عنوان نماینده بر آن‌ها نیز صادق است. دلیل دیگری هم که می‌توان بر این نظر آورد، آن است که امروزه در بسیاری از اشخاص حقوقی، تصمیمات به صورت جمعی و توسط این نهادها گرفته می‌شود و اگر ما نخواهیم جرایم ارتكابی توسط آن‌ها را به شخص حقوقی نسبت دهیم، اهداف شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تأمین نخواهد شد و بسیاری از آن‌ها اعمال غیرقانونی خودشان را در لوای تصمیمات گروهی انجام می‌دهند تا از چنگال قانون بگریزند.

پاسخ دیگری که می‌توان به این سؤال داد، این است که عنوان نماینده قانونی ظهور در مدیر دارد و قانون‌گذار ارکانی این چنینی را مدنظر نداشته است. مضاف به این که احراز قصد مجرمانه در این موارد که افراد زیادی در تصمیم‌گیری دخالت دارند دشوار خواهد بود. دلیل دیگر هم این است که در صورتی که قانون‌گذار قصد شمول ماده نسبت به این موارد را داشت، می‌بایست با آوردن کلمه‌ای همچون «ارکان» بر آن‌ها تصریح می‌کرد، همان‌طور که در ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه صراحتاً از کلمات «ارکان یا نمایندگان» استفاده شده است.

با وجود این ابهام در مفهوم نماینده قانونی، نگارنده بر این باور است که نظر اول با مبانی حقوقی و انصاف و اهداف قانون‌گذار در شناسایی نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، سازگارتر است. به ویژه آن که ماده ۱۲۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت، افاده حصر نمی‌کند و صرفاً در مقام برشمردن یکی از مصادیق نمایندگی است. البته نظر دیگر نیز خالی از وجه نیست.

شایان ذکر است افرادی که (ممکن است) بدون اراده شخص حقوقی و بدون این که درون شخص حقوقی باشند، طبق قانون نماینده شخص حقوقی می‌باشند و به نمایندگی از شخص حقوقی اقداماتی انجام می‌دهند؛ مانند مدیر تصفیه، هم داخل در عنوان نماینده قانونی مذکور در ماده بوده و جرایم ارتكابی‌شان قابل انتساب به شخص حقوقی است.

ممکن است این ایراد گرفته شود که این تفسیر از نماینده قانونی، دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را محدود می‌کند و خلأ موجود در قوانین قبلی که قانون مجازات جدید درصدد پر کردن آن بوده را برطرف نمی‌کند. بهتر است نماینده قانونی را بدین نحو تفسیر کنیم که هر شخصی که تحت نظر شخص حقوقی انجام وظیفه می‌کند و اقداماتش می‌تواند از لحاظ حقوقی، شخص حقوقی را متعهد کند

را در برگیرد؛ بنابراین اگر یک کارگر یا کارمند شخص حقوقی هم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود، باید شخص حقوقی را از لحاظ کیفری مسئول دانست.

در پاسخ باید بگوییم درست است که این تفسیر نفع بزه‌دیده را بیشتر لحاظ می‌کند، لکن نص قانون و اصول تفسیر قوانین کیفری به نفع متهم اجازه این تفسیر را به ما نمی‌دهد. عنوان نماینده قانونی از قانون فرانسه گرفته شده و در نظام حقوقی این کشور هم به مانند تمام نظام‌های حقوقی که نظریه مغز متفکر را پذیرفته‌اند، تفسیری به مانند تفسیر پیش‌گفته از نماینده قانونی می‌شود. تفسیر دیگر از عنوان نماینده قانونی تنها در نظام‌هایی که نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما را پذیرفته‌اند، امکان پذیر است.

شاید تنظیم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بدین نحو از جنبه‌ای قابل دفاع باشد؛ زیرا آنجا که بحث دیه و جبران خسارت مطرح است، قانون‌گذار به صورت گسترده به مسئولیت شخص حقوقی حکم داده و نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما را پذیرفته و حقوق بزه‌دیده را مدنظر داشته است؛ لکن آنجا که بحث مجازات‌های تعزیری مطرح است، قانون‌گذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را محدود به موردی کرده است که نماینده قانونی شخص حقوقی (با همین تفسیری که از آن شد) جرم را به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی انجام دهد. بدین ترتیب قانون‌گذار از گسترش بیشتر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی جلوگیری نموده است. شاید قانون‌گذار ایرانی هم به مانند قانون‌گذار فرانسوی پس از گذشت چند سال از زمان اجرای این قانون، احساس نیاز نماید و در بعضی از جرایم، نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما را جایگزین نظریه مغز متفکر کند. شرط دیگر تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی آن است که نماینده قانونی جرم ارتكابی را «به نام» یا «در راستای منافع» شخص حقوقی انجام دهد.

انجام وظیفه «به نام» شخص حقوقی یعنی این که نماینده قانونی عمل را رسماً و عملاً از طرف شخص حقوقی انجام دهد نه از طرف خود؛ به عنوان مثال مدیر شرکت در معامله‌ای که از طرف شرکت انجام می‌دهد، مرتکب کلاه‌برداری از طرف معامله شود؛ بنابراین اگر نماینده در معامله‌ای که به نام خود انجام می‌دهد، مرتکب کلاه‌برداری یا هر جرم دیگری بشود تنها خود مسئول بوده و مسئولیت کیفری شخص حقوقی را در پی نخواهد داشت.

انجام رفتار «در راستای منافع» شخص حقوقی بدین معناست که نماینده مثلاً در معامله‌ای که انجام می‌دهد جرمی را با در نظر گرفتن منافع شخص حقوقی و برای این که شخص حقوقی به نفعی برسد انجام دهد. این نفع و فایده می‌تواند جنبه مادی یا معنوی، قطعی یا احتمالی و مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشد؛ به عنوان مثال هنگامی هم که اداره‌کننده یک شرکت به ضرر شرکت رقیب اقدام به تبلیغات غیرواقعی و نشر اکاذیب می‌کند، شرکت مذکور مرتکب جرم شده است. بنابراین اگر نماینده جرم ارتكابی را فقط برای به منفعت رسیدن خویش انجام دهد، تنها خود وی مسئول بوده و شخص حقوقی به جرم ارتكابی محکوم نخواهد شد. تشخیص وجود مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی آن موقع دشوار خواهد بود که جرم ارتكابی در جهت منافع اقلیت اعضاء شخص حقوقی نه در جهت منافع اکثریت باشد. به نظر می‌رسد در این مورد، جرم در راستای منافع شخص حقوقی محسوب نخواهد شد و مسئولیت کیفری شخص حقوقی را به دنبال نخواهد داشت. باید توجه داشت که در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شدن به این معنا نیست که شخص حقوقی لزوماً از ارتكاب جرم نفعی هم برده باشد، بلکه همین که عمل از لحاظ عرفی در راستای شخص حقوقی تلقی شود، مسئولیت کیفری آن را در پی خواهد داشت.

نکته قابل توجه آن که ماده از لفظ «یا» استفاده کرده است؛ بنابراین صرف وجود یکی از این دو شرط کافی است. لذا اگر نماینده قانونی شخص حقوقی، جرم را به نام شخص حقوقی ولی در جهت منفعت خود مرتکب شود و نفع آن تنها به خود وی برسد، شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت. از طرف دیگر اگر عمل ارتكابی در جهت نفع رساندن به شخص حقوقی باشد، ولی به جهتی بانام نماینده انجام شده باشد، باز شخص حقوقی از لحاظ کیفری مسئول خواهد بود.

باید توجه داشت که اگر نماینده قانونی شخص حقوقی از حدود و اختیارات خود تجاوز کند، تنها نماینده، مسئولیت کیفری خواهد داشت و نمی‌توان برای شخص حقوقی مسئولیت کیفری قائل شد (این بحث در حقوق مدنی هم قابل طرح است). البته محدود کردن مسئولیت کیفری شخص حقوقی به مواردی که نماینده در حدود وظایف محول شده عمل کرده باشد میدان را برای فرار شخص حقوقی از مسئولیت کیفری باز خواهد کرد.

نکته مذکور در ماده ۱۴۳ آن است که مسئولیت کیفری شخص حقوقی نافی مسئولیت کیفری

شخص حقیقی مرتکب جرم نخواهد بود و در این موارد، قاعده تعدد مسئولیت حاکم است. ابتدا باید تمامی ارکان جرم اعم از مادی و معنوی که در قانون آمده است، از سوی نماینده قانونی احراز شود و جرم وی اثبات گردد تا بتوانیم این جرم را به شخص حقوقی هم منتسب بدانیم. بدین ترتیب هم نماینده قانونی مرتکب جرم و هم شخص حقوقی به مجازات‌های مقرر قانونی خود محکوم می‌شوند.

### **گفتار سوم: شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوق عمومی در حقوق ایران و فرانسه**

یکی از شرایط لازمه‌ی انتصاب جرم به مجرم و تعیین مجازات قانونی برای مجرم داشتن مسئولیت کیفری است، یعنی شخص شرایط عام مسئولیت کیفری را داشته باشد که شامل شرایط قانونی و حقوقی مسئولیت می‌باشد. برای تشخیص مسئولیت کیفری یک شخص حقیقی باید جرم عمدی و غیرعمدی که باعث خساراتی شده را مورد تمایز قرار داد که در چه موردی خطایی ساده کافیهست، یا اگر تخلف رابطه‌ای مستقیم با خسارت ندارد در چه صورتی تخلف جنبه محسوب می‌شود. چنین تمیزی در مورد اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست؛ بدین معنی که جرمی غیرعمدی و ساده که یک ارگان یا نماینده آن مرتکب می‌شود، در رابطه‌ای غیرمستقیم با خسارت، می‌تواند شخص حقوقی را مسئول کیفری بداند بدون اینکه جرم را شخصی حقیقی انجام داده باشد، در جایی که یک تقصیر قابل اعمال باشد.

### **بند اول: شرایط قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی**

برای این که بتوان مجازات را به اشخاص حقوقی تحمیل نمود، تحقق شرایط و فقدان موانعی لازم است که بدون آنها مسئولیت کیفری نه در حقوق ایران و نه در حقوق فرانسه محقق نخواهد شد. این شرایط اوضاع و احوالی هستند که به متن قانون مدون بر موضوع، فعل و یا ترک فعل انجام شده و به خصوصیات و حالات شخص مرتکب مربوط هستند. در مورد شرایط قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مهمترین بحث قابل طرح این است که نماینده شخص حقوقی به نام و یا در راستای منافع شخص حقوقی جرمی را انجام داده باشد، که این امر هم در قانون جزای فرانسه هم در قانون مجازات اسلامی ایران مورد بحث واقع شده است.

## بند دوم: رویکرد تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید ایران مصوب ۱۳۹۲ که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت پذیرفته است بیان می‌دارد، در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد بود و در ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه این امر این‌گونه بیان می‌شود که به «اشخاص حقوقی به استثنای دولت، به تفصیلی که در مواد ۱۲۱-۴ تا ۱۲۱-۷ بیان شده و قوانین و مقررات پیش‌بینی کرده‌اند، از نظر کیفری مسئول جرایمی هستند که عامل یا نماینده‌ی به حساب آنها مرتکب می‌شود، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی که مباشر همان جرم هستند نمی‌باشد». حال باید در شرایط قانونی بررسی شود که نماینده‌ی شخص حقوقی چه کسی است؟ یعنی چه کسی باید به نام و یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود تا شخص حقوقی مجازات شود؟

آیا نماینده‌ی قانونی فقط مدنظر قانونگذار بوده و یا اشخاصی که در شخص حقوقی شریک و یا عضو هستند ولی نماینده‌ی قانون نیستند و به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم می‌شوند آیا باز هم باید شخص حقوقی مجازات می‌شود؟ مفهوم به نام یا در راستای منافع یعنی چه؟ چه نوع منافعی را شامل می‌شود؟ آیا نفع باید برای تمام اعضا باشد؟ و یا فقط برای برخی اعضا؟ آیا منظور از عامل و نماینده یک مفهوم مدنظر قانونگذار بوده است یا نماینده و عامل دو مفهوم و دو شخص جدای از یکدیگر و دارای وظایف مخصوص به خود دانسته است؟

مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی زمانی اعمال می‌شود که اشخاص حقیقی مسئول در آن در حدود مقررات خاص آن عمل نموده باشد. اگر مدیر عامل خارج از حدود و اختیارات خود یا با سوء استفاده از اختیارات و موقعیت خود یا حتی در جهت منفعت شخصی خود عمل نموده باشد، مثلاً با جعل صورت جلسه‌ای از سوی هیات مدیره برای خود اختیارات ویژه‌ای اخذ نماید و سپس بر مبنای آن اقدام به کلاهبرداری به نام شخص حقوقی کند، مسئول دانستن شخص حقوقی

عادلانہ نخواهد بود<sup>۱</sup>. ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه با این عبارت اعمالی که نماینده یا عامل شخص حقوقی به حساب شخص حقوقی انجام می‌دهد و ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید ایران با بیان شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی به نام و یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود این مشکل را حل کرده و حدود این مسئولیت را رعایت نموده است.

ضمن این که قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران در ماده ۵۸۹ خود چنین بیان می‌دارد که «تصمیمات شخص حقوقی به وسیله‌ی مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود، که همگی مبین این نظر است که برای انتصاب جرم به شخص حقوقی و مجازات آن، عمل باید از سوی کسی انجام شود که صلاحیت قانونی برای اداره شخص حقوقی در حدود قانون را دارد.

حکم دیوان کیفری فرانسه در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۳، به دنبال تغییری اساسی در رویه قضایی وارد شده، در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۱۲، چنین بیان می‌دارد که جرایم ارتكابی توسط ارگان یا نماینده شخص حقوقی، باید به حساب شخص حقوقی ثابت شود<sup>۲</sup>. و این مشکل زیادی در موارد جرم غیر عمدی ایجاد می‌کند. به خصوص زمانی که نماینده قانونی متشکل از اشخاص حقوقی زیادی باشد که در یک کادر کارگاهی جمع شده باشند. دیوان کیفری فرانسه با ذکر QPC (که به دلیل فقدان عملکرد جدید انتقال داده نشد) چنین می‌گوید که، اگر جرم توسط شخص حقوقی یا ارگان یا نماینده آن ارتکاب شود شخص حقوقی مسئولیت کیفری دارد<sup>۳</sup>.

رویه قضایی سولاک<sup>۴</sup> که شخص حقوقی را بدون توجیه اینکه سهل‌انگاری را مخصوصاً این شخص انجام داده است، محکوم می‌کند. در نتیجه باید ثابت کرد که نماینده قانونی، برای این

---

۱. نبی پور، محمد (۱۳۸۹)، شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی، مجله حقوق تعالی، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۳۵.

2. Cass Crim|| Avril 2012, N°10 86.974.

3. Cass Crim. 27Avril 2011.

4. Sollac.

شخص حقوقی اقدام کرده است، همانطور که دو کاسن<sup>۱</sup> این مسأله را بیان می‌کند: مخصوصاً در مورد شخص حقوقی که متعلق به گروهی است و رویه قضایی سولاک را پیش نمی‌گیرد، از جهت دیگر مساله هویت شرکتی که قصد دارد نماینده شرکت‌های مجموعه باشد از سر گرفته می‌شود.<sup>۲</sup> عامل<sup>۳</sup> شخص حقوقی عبارت‌اند از مدیران، هیات مدیره، و مجمع عمومی که بعنوان عامل شخص حقوقی عمل می‌کنند و نمایندگان شخص حقوقی نیز اشخاص طبیعی و حقیقی هستند که به حساب او عمل می‌کنند.<sup>۴</sup>

پس در هر صورت عامل، کارمندان و اعضاء و .. اگر فاقد عنوان نماینده باشند و مرتکب جرم شوند شخصاً باید مسئول اعمال خودشان باشند و عمل آنان موجب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نخواهد بود. در صورتی نیز اگر نماینده‌ی قانونی به حساب شخصی خودش جرمی انجام دهد و به نام و یا در راستای منافع شخص حقوقی نباشد مسئولیتی برای شخص حقوقی ایجاد نمی‌کند. حتی اگر از نام شخص حقوقی استفاده کرده باشد، چه بسا که این امر مورد اعتراض دیگر شرکاء و اعضاء نیز قرار گیرد و مسئولیتی دیگر نیز برای او به بار آورد. نکته‌ی دیگری که باید یادآور شد این است که، همان‌طور که گذشت، در ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه از عنوان نماینده یا عامل استفاده نموده است که این امر در قانون ایران داده نمی‌شود و تنها از عنوان نماینده استفاده نموده است. اینک باید دو اصطلاح عامل و یا نماینده را مورد بررسی بیشتر قرار دهیم تا روشن شود که این دو به یک معنا هستند و مترادف ندیا دو معنای مختلف دارند.

گفتنی است که واژه‌ی نماینده<sup>۵</sup> در پیش نویس طرح ۱۹۷۸ و ۱۹۸۳ قانون جزای فرانسه نبوده، حتی در پیش نویسی که وزیر وقت دادگستری، آقای رابر بادننه در ۱۹۸۶ تنظیم و تدوین کرده بود چنین واژه‌ای وجود نداشت. این واژه با اصطلاح عامل شخص حقوقی قابل اشتباه است، زیرا گاهی ممکن است چنین تصور شود که اصطلاح نماینده، کلیه‌ی ارگان‌های شخص حقوقی را شامل

1. Duquesne.

2. Semaine Juridique entreprises et affair n°47, 22 novembre 2012, 1707.

3. Organe.

4. Stéfani (Gatson), Levasseur (Georges) Bouloc (Bernard), précis do Droit pénal général, 20° ed. Dalloz 2008. P 270.

5. Représatant.

می‌شود، ولی در واقع واژه ارگان<sup>۱</sup> با نماینده تفاوت دارند، در مواردی زیادی نمایندگان شخص حقوقی، عامل یا ارگان آن نیستند، البته نماینده را با نماینده‌ی قانون با قید اضافی نباید اشتباه کرد، زیرا ممکن است فردی بدون این که جزء ارگان یا عاملان شخص حقوقی باشد، طبق قانون و یا بر اساس اساسنامه نماینده‌ی قانون شخص حقوقی باشد. مانند مدیران موقت یا مادیر تصفیه و ورشکستگی شرکت یا مدیر انجمن، که هر یک از این اشخاص به نمایندگی اشخاص حقوقی، اقداماتی انجام می‌دهند ولی جزء عاملان شخص حقوقی محسوب نمی‌شوند. نماینده‌ی شخص حقوقی ممکن است مدیر مؤسسه باشد، البته به مفهومی که بیشتر دارای جنبه اقتصادی است تا حقوقی، که از طرف ارگان شخص حقوقی، نمایندگی شخص حقوقی به وی اعطا شده باشد، مدیر مؤسسه را ممکن است قانون پیش‌بینی کرده باشد، ولی عامل شخص حقوقی نباشد، مانند شرکت یا مؤسسه مطبوعاتی یا سمعی و بصری. نماینده ممکن است وکیل مخصوص شخص حقوقی باشد که خارج از اعضاء و هیات مدیره و کارکنان شخصیت حقوقی تعیین شده و عهده‌دار نمایندگی شود، ولی گاهی ممکن است یکی از کارکنان آن باشد<sup>۲</sup>. بنابراین نماینده یا عامل بودن در حقوق فرانسه و نماینده قانونی بودن شخص حقیقی مرتکب جرم در حقوق ایران یکی از شروط لازم برای تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌باشد.

نکته دیگر قابل توجه در اختلافات میان قانون ایران و فرانسه قید به نام و یا در راستای منافع شخصی حقوقی است که در قانون ایران به آن اشاره شده است، ولی در قانون فرانسه از عبارت به حساب شخص حقوقی استفاده نموده است، می‌توان گفت در قانون ایران به گونه‌ای قلمرو مسئولیت کیفری این اشخاص را نسبت به فرانسه گسترش داده است. منظور از عبارت به نام در قانون ایران این است که شخص نماینده با همان شرایط نمایندگی که قبلاً ذکر گردید، مستقیماً به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شده و در آن شک و شبهه‌ای نیست. بعنوان مثال مستقیماً در جهت افزایش سود و یا سرمایه‌ی شرکت اقدام به گرانفروشی و یا جذب سود بیشتر و یا هر گونه عمل مجرمانه دیگر نموده است، اما عبارت در راستای منافع مبهم است و نیاز به بررسی دقیقتری دارد و این کار قضا را در رسیدگی به این گونه جرایم دشوارتر می‌نماید و گاهی ممکن است تفسیرهای شخصی از آن شود.

1. Organe.

۲. فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۹ب)، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۴۲



بر اساس ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه، نماینده یک معرف است، مدت زیادی است این اصل پذیرفته شده، که شخص مرتکب باید نماینده قانونی باشد تا بتوان شخص حقوقی را مسئول بدانیم.<sup>۱</sup> به شرطی که نماینده قانونی دارای صلاحیت باشد. یعنی به شخصی صلاحیت قانونی و ابزار سپرده شود؛ همچنین این مساله که بتوان نمایندگی قانونی شرکت‌های زیادی که در کادر گروهی عمل کنند را به شخصی که مسئول اجرای قوانین باشد سپرد، پذیرفته شده است. مساله کارگاه ساختمانی شامل این مورد می‌شود.<sup>۲</sup>

نماینده قانونی تاسیس شده، در نتیجه معرف یک شخص حقوقی است که نمایندگی قانونی به او واگذار شده است حتی با وجود اینکه از این شخص حقوقی مزدی دریافت نکند. در نتیجه در یک کادر گروهی، نماینده می‌تواند مسئولیت کیفری شخص غیرمستخدم را عهده‌دار شود. دادگاه پژوهش پاریس در حکم ۲۱ ژوئن ۲۰۱۱ خود به خوبی چنین بیان می‌کند که اگر هیچ چیزی برای شرکت‌های ساختمانی که مسئول پروژه‌های بزرگ در یک کارگاه هستند ممنوع نباشد، قانونی لازم جهت گرفتن تمام اقدامات به منظور تضمین بهداشت و ایمنی همه پرسنل در محل توسط نماینده قانونی، هر یک از شرکت‌های زیر مجموعه در برابر بی‌توجهی به قوانین ایمنی و بهداشت در کار کارگران، مسئولیت کیفری دارند. با این وجود مشکل در تشخیص چگونگی عملکرد نماینده از سوی شخص حقوقی که مسئولیت کیفری را به عهده دارد است.<sup>۳</sup>

با توجه به اینکه این قانون در ایران در زمان تدوین این پژوهش هنوز تازه به اجرا درآمده است، لذا از رویه‌ی و عرف قضایی مرسوم هم نیز نمی‌توان استفاده نمود تا مشخص شود منظور از عبارت در راستای منافع چه چیزهایی را شامل می‌شود.

با توجه به اینکه ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران ماده عامی است و نیز از اطلاق این ماده می‌توان این گونه تفسیر نمود که منظور قانون‌گذار ما در استفاده از عبارت در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود، شامل تمام منافع، اعم از منافع مادی و غیر مادی را شامل می‌شود. در

1. Cass Crim. 14 dcembre 1999. JCP 2000 IV 1597.

2. Cass Crim. 11 mars 1993, Bull Crim N° 112.

3. La Cour d'Appel de paris. 21 juin 2011.

واقع می‌توان گفت فرق به نام و در راستای منافع، مستقیم بودن یا غیرمستقیم بودن سود را به ذهن متبادر می‌نماید؛ به طوری که به نام بودن یعنی مستقیم سود و نفع می‌برد ولی در راستای منافع یعنی غیر مستقیم سود و نفع به شخص حقوقی می‌رسد.

ضمن این که لازم به ذکر است در صورتی عبارت به نام می‌تواند به این دلیل در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید ایران بیان شده باشد که شامل مواردی که فقط به نام شخص حقوقی جرمی اتفاق می‌افتد و هیچ نفع و سودی اعم از مادی و غیرمادی را برای شخص حقوقی به دنبال ندارد. برای مثال، با استفاده از ابزارآلات و لوازم و جا و مکان شخص حقوقی در یک شورش و اعتراض خیابانی استفاده می‌شود و دیده می‌شود که در پس این حمایت و کمک کردن به شورشیان هیچ جنبه‌ی مادی و حتی غیرمادی نیز وجود ندارد و صرفاً شرکت در شورش می‌باشد و یا نماینده با سوء استفاده از نام و عنوان شرکتی به نفع خودش سود و منفعتی کسب نماید.

در نهایت این که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی علاوه بر این که مشروط به شرایطی است که بیان شد، مسئولیتی متعدد می‌باشد و تابع قواعد مسئولیت متعدد می‌باشد، زیرا هم شخص حقوقی و هم شخص حقیقی به ترتیبی که در بحث عامل و نماینده بیان شد، دارای مسئولیت کیفری می‌باشند، که این امر هم در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران و هم در انتهای ماده ۲-۱۲۱ قانون جزایی فرانسه بدین‌گونه بیان شده است، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقوقی نیست.

## گفتار سوم: قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوق عمومی در حقوق ایران و فرانسه

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و از جمله دولت از مفاهیمی است که در حقوق بین‌الملل جزائی مدرن پذیرفته شده است. طبق رهیافت سنتی و کلاسیک حقوق جزا، تنها اشخاص حقیقی دارای مسئولیت کیفری قلمداد می‌گشتند و بنابراین دولت فاقد مسئولیت کیفری تلقی می‌گشت.<sup>۱</sup> طبق ماده ۱۸۴ قانون کار، در تمامی مواردی که مسئولیت تخلف بر عهده شخص حقوقی باشد، اجرت‌المثل کار انجام شده باید از دارایی شخص حقوقی پرداخت گردد، ولی مسئولیت کیفری

۱. محمدی، حمید (۱۳۹۸)، مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۲، ص ۱۸۸.

یعنی حبس یا جریمه نقدی، منحصرأً متوجه مدیر عامل شخص حقوقی است. باید اذعان داشت مسئولیت کیفری دولت‌ها با پایان جنگ جهانی اول و دوم، تحقق یافته است. در راستای مسئولیت کیفری دولت‌ها سه رویکرد مهم و اساسی را می‌توان مطرح نمود<sup>۱</sup>. مسئولیت انحصاری اشخاص حقیقی<sup>۲</sup>. مسئولیت انحصاری دولت‌ها<sup>۳</sup>. مسئولیت جمعی دولت‌ها و اشخاص حقیقی<sup>۱</sup>.

### بند اول: رویکردهای مربوط به مسئولیت کیفری دولت

طبق رویکرد نخست، تنها اشخاص حقیقی دارای مسئولیت کیفری می‌باشند و مسئولیت دولت و سازمان‌ها به مسئولیت مدنی منحصر می‌باشد. به عبارتی این رویکرد، مسئولیت کیفری دولت‌ها را به صراحت نفی می‌نماید. این رویافت سنتی در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو اعمال گردید. در این دادگاه‌ها که برای مجازات جنایتکاران جنگ جهانی تشکیل گشته بود، تنها اشخاص حقیقی مورد محاکمه و مجازات قرار گرفتند و دول متخاصم در جنگ جهانی دارای مسئولیت کیفری شناخته نشدند. علاوه بر این در دیوان‌های کیفری بین‌المللی که در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیرامون تعقیب جنایات ارتكابی در کشور یوگسلاوی سابق و رواندا تاسیس شدند، فقط مسئولیت کیفری شخص حقیقی پذیرفته گشت. طبق رویکرد دوم منحصر دولت‌ها دارای مسئولیت کیفری می‌باشند. یعنی در مواردی چون جنایات جنگی، اشخاص حقیقی فاقد مسئولیت کیفری شناخته شدند و مسئولیت کیفری این جرایم بر عهده دولت‌ها قرار گرفت<sup>۲</sup>. اما در رویکرد سوم هم دولت و هم اشخاص حقیقی به طور جمعی و تضامنی دارای مسئولیت جمعی خواهند بود. یعنی هم اشخاص حقیقی و هم دولت، هر دو مسئول اقدامات و جنایات خود شناخته می‌شوند. با این وجود در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در سال ۱۹۹۸ در رم به امضای دولت‌ها رسید به طور صریح فقط به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی اشاره گردیده است<sup>۳</sup>. علاوه بر اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، در دو سند مهم دیگر موسوم به آیین‌نامه دادرسی و

۱. ابطی، شماره (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی و دولت در قوانین ایران، مجله گزارش، شماره ۲۵۱، ص ۲۲.

۲. زمانی، قاسم (۱۳۹۵)، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۱، ص ۲۱.

۳. صفایی آتشگاه، حامد و سلامی، مهرداد (۱۳۹۳)، مسئولیت سران و نظامیان دولت‌های متجاوز در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳، ص ۱۱۱.

ادله و عناصر تشکیل دهنده جرایم، چنین رویه‌ای اتخاذ گردیده است. سرانجام در کنوانسیون پالرمو که در راستای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در شهر پالرمو - جزیره سیسیل ایتالیا به امضای نمایندگان ۱۲۴ کشور جهان رسید، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صراحت پذیرفته شد. ماده ۱۰ کنوانسیون تحت عنوان مسئولیت اشخاص حقوقی، مقرر می‌دارد»

۱. هر دولت عضو، منطبق با اصول حقوقی خود، اقدامات مقتضی جهت شناسایی مسئولیت اشخاص حقوقی مشارکت‌کننده در ارتکاب جرایم شدیدی که یک گروه مجرم سازمان یافته نیز در آنها دخالت دارد را اتخاذ خواهد نمود.

۲. بسته به اصول حقوقی دولت عضو، مسئولیت اشخاص حقوقی می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۳. این مسئولیت خدشه‌ای به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مرتکب این جرایم شده‌اند، وارد نخواهد کرد.

۴. هر دولت عضو اطمینان حاصل خواهد کرد، اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول شناخته می‌شوند، مورد مجازات‌های کیفری یا غیر کیفری، قرار خواهند گرفت.

بنابراین طبق این سند بین‌المللی برای نخستین بار مفهوم مجرمیت دولت مورد پذیرش قرار گرفت. همچنین طبق این کنوانسیون، مسئولیت کیفری دولت در اقدامات اتخاذی خود یک مسئولیت مستقل و اصلی و نه یک مسئولیت تکمیلی قلمداد می‌گردد<sup>۱</sup>.

### **بند دوم: مفهوم، مصادیق و اهلیت اشخاص حقوقی عمومی**

اصطلاح دولت در قوانین و مقررات و ادبیات حقوقی ما در مفاهیم مختلف به کار رفته است به نحوی که می‌توان گفت اشتراک لفظی دارد و بدین لحاظ تاکنون تعریف قانونی از آن به عمل نیامده است. دولت، عمدتاً در قوانین و مقررات در مفهوم دقیق و مضیق آن به معنی قوه مجریه به کار رفته است که یکی از ارکان حکومت را تشکیل می‌دهد. از ظاهر عبارت دولت در قوانین مربوط یعنی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی ابتدائاً همین مفهوم به ذهن متبادر می‌گردد. لیکن با توجه به هدف قانونگذار از

۱. سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایت سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالرمو و آثار آن، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، ص ۲۰۳.

تصویب قانون باید مفهوم دولت را به مفهوم گسترده‌تر آن بپذیریم و محدود به قلمروی قوه مجریه نکنیم و آن را شامل سایر قوای حاکم بدانیم زیرا در غیر این صورت، نقض غرض حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

تاسیس شخصیت‌های وابسته به حقوق عمومی، معمولاً بستگی به تصمیم قدرت عمومی دارد. ایجاد کننده این اشخاص، مقامات عمومی و دولتی هستند و این شخصیت‌ها بدون اجازه قانون تشکیل نمی‌شوند. از همین رو، ریشه پیدایی همه اشخاص حقوقی وابسته به حقوق عمومی، بی استثناء در قانون است.<sup>۲</sup> قوه مقننه بر حسب نیازها و ضرورت‌های اجتماعی با گذراندن قانون، این اشخاص را ایجاد و چارچوب فعالیت‌های آنان را مشخص می‌نماید.<sup>۳</sup>

صلاحیت تمتع اشخاص حقوق عمومی ناظر بر زمان شکل‌گیری آنها و پیش از اعمال و اجرای صلاحیت است. اشخاص حقوقی عمومی با هدف تمثیت امور عمومی و خدمت عمومی تشکیل می‌شوند و ویژگی مهم اشخاص حقوقی عمومی آن است که این اشخاص ذاتاً از امتیازات قدرت عمومی برخوردارند.<sup>۴</sup>

موسسات عمومی به سازمان‌هایی اطلاق می‌شوند که دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و به قائم مقامی دولت یا مردم یک محل، اداره یک یا چندین خدمت معین و محدود از خدمات و نیازمندی‌های عمومی را عهده دار می‌باشند. این موسسات در زمره اشخاص حقوقی عمومی قرار دارند. علیرغم این که در قوانین ایران از موسسه عمومی تعریفی ارائه نشده است ولی می‌توان نهادها و موسساتی را که در قوانین مختلف یافت که در زمره موسسات عمومی به شمار می‌آیند. موسسه دولتی، شرکت دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از جمله این موسسات محسوب می‌شوند.<sup>۵</sup>

۱. رستمی، ولی، سپهری، کیومرث، اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی عمومی، موانع و راهکارها، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹

۲. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ اول، نشر دانا، ۱۳۷۳، ص ۱۸

۳. رضایی‌زاده، محمدجواد، داوری، محسن، تفکیک صلاحیت‌های اشخاص حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۴، ص ۸۷

۴. طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اداری، چاپ شانزدهم، تهران، سمت، ۱۳۹۰، ص ۲۶۶

۵. انصاری، ولی‌اله، کلیات حقوق اداری، چاپ هفتم، تهران، میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰

## بند سوم: رویکرد قانونگذار ایران

در خصوص کشورها هرچند قانونگذار در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ که به قانون مجازات اسلامی ملحق شده است به عنوان اولین قانونی که به صورت صریح و نظام‌مند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته بین اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی قائل به تفکیک نشده است و با استناد به عموماً و اطلاقات قانون مذکور اشخاص حقوقی دولتی و عمومی را نیز می‌شد، در صورت ارتکاب جرم رایانه‌ای واجد مسئولیت کیفری و قابل مجازات دانست، لیکن قانونگذار در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اعمال مجازات‌های کیفری را در مورد اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در موردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، منتفی است. متن اولیه تبصره یاد شده در لایحه قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را نفی نموده بود اما شورای نگهبان در بررسی لایحه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ تنها اشکالی که به موارد مندرج در مبحث مجازات‌های اشخاص حقوقی وارد کرد، اینگونه بود: « در تبصره ماده ۲۰ از آنجا که اطلاق عبارت اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی شامل اشخاص حقوقی می‌شود که تصدی گری می‌کنند نه حاکمیتی، لذا مغایر جزء ۹ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.» هرچند، مسئول شناخته شدن اشخاص حقوقی در خصوص جرایم قیودی دارد که ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی تبیین می‌کند، اما پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت نمی‌کنند، تحولی مهم در نظام کیفری ایران به شمار می‌آید. با توجه به ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری که شرکت‌های دولتی را متولی تصدی‌های دولتی می‌داند، می‌توان آنها را از این جهت که اساساً اعمال حاکمیت نمی‌کنند، از شمول تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی خارج بدانیم و اشخاص حقوقی دولتی موضوع تبصره را به موسسات دولتی و وزارتخانه‌ها معطوف بدانیم اما تبصره مورد بحث از قید عمومی در خصوص اشخاص حقیقی دولتی عاری است. با این حال، تبصره مذکور پس از عموم ماده در خصوص مسئولیت کیفری همه اشخاص حقوقی دو دسته از اشخاص حقوقی را در موارد اعمال حاکمیت از عموم مذکور استثناء می‌کند و در مقام بیان تقسیمات اشخاص حقوقی یا اشخاص حقوقی صالح برای اعمال حاکمیت نیست.<sup>۱</sup> لازم است که بین اشخاص حقوقی حقوق عمومی، موسسات عمومی

۱. محمدی، قاسم، خانی‌زاده، علیرضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در عرصه داخلی، پژوهش‌های حقوق جزا

و جرم‌شناسی، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۸۲

و سایر اشخاص حقوق عمومی، تفکیک قائل شویم.<sup>۱</sup>

هر یک از مؤسسات عمومی بر حسب طبع خود دارای تشکیلات داخلی هستند، که باید در سطح تمام کشور یا در غالب نقاط دارای شعبی باشند که در این صورت مؤسسات عمومی منطقه‌ای نامیده می‌شود. مؤسسات عمومی ممکن است انتفاعی، صنعتی یا ملی باشند.<sup>۲</sup> سازمانها حرفه‌ای یا شغلی مانند کانون وکلا، انجمن صنفی حقوق دانان، سندیکاهای کارگری یا سندیکاهای فرمایان و غیره دارای شخصیت حقوقی هستند و حسب مورد در صورت تحقق شرایط، مسئولیت پیدا می‌کنند.<sup>۳</sup>

مسئولیت مدنی در قلمرو حقوق عمومی درباره‌ی اشخاص حقوقی که از اراده‌ی خاص جمعی برخوردارند و دارای توان مالی می‌باشند از همان زمان‌های قدیم وجود داشته است و این مسئولیت توسط قدرت عمومی دولت به رسمیت شناخته شده است، تا هم بتوانند قدرت عمومی خود را به منصفه ظهور برسانند و هم با پرداخت از دارایی خود، در مقام جبران ضرر و زیان برآیند.

هرچند که ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای جدید فرانسه مقرر می‌دارد که هر کس فقط در قبال عمل خودش مسئول است و هیچکس برای عمل غیر مجازات نمی‌شود ولی در ماده ۲-۱۲۱ اشخاص حقوقی به جز دولت را به تفصیلی که در مواد ۴-۱۲۱ تا ۷-۱۲۱ بیان شده در حدودی که در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده، در قبال جرائمی که عامل یا نماینده آنها به حساب آنها انجام می‌دهد، از نظر جزایی مسئول می‌داند و مؤسسات عمومی و تشکیلات داخلی آنها را در مورد تفویض نمایندگی انجام خدمات عمومی قرار می‌گیرد، از نظر کیفری مسئول می‌شناسد.<sup>۴</sup>

دولت به عنوان عالی‌ترین سازمان و تشکیل قدرتی در هر کشور می‌باشد که مسئولیت حفاظت از نظم جامعه و مسئول اعمال مجازات و تنبیه مجرم می‌باشد و از طریق حق حاکمیت خود مجرمین

---

۱. مؤسسات عمومی، اصطلاح عامی است که به مؤسسات وابسته به وزارتخانه و اشخاص حقوقی عمومی محلی را شامل می‌شود، ولی گاهی ناظر به مؤسسات عمومی وابسته به دولت و زمانی ناظر به مؤسسات عمومی وابسته به شهرداری است.  
۲. مؤسسات ملی مؤسساتی هستند که در آنها دولت جانشین اشخاص می‌شود و از آنها سلب مالکیت می‌کنند. معمولاً ملی کردن دارای اهداف اقتصادی و مالی است.

۳. فرج‌الهی (۱۳۸۸)، پیشین، ص ۱۱۶.

۴. همان، ص ۱۲۳.

را تعقیب و مجازات می‌کند<sup>۱</sup>. بنابراین معقول و پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد که دولت بخواهد خودش را تحت تعقیب و مورد مجازات قرار دهد و دیگر این که اعمال بعضی از مجازات‌ها مقرر در قانون مانند انحلال، بستن مؤسسه، ممنوعیت از انجام یک یا چند فعالیت حرفه‌ای و... با طبع و وظیفه‌ی دولت و مؤسسات عمومی نه تنها سازگاری ندارد، بلکه با اعمال قدرت و حاکمیت این نهاد مغایرت دارد<sup>۲</sup>.

مجسم کنید که اگر مؤسسه‌ی عمومی مانند یک وزارتخانه یا اداره کل که به انجام خدمات عمومی در سطح کشور یا منطقه اشتغال دارد، منحل شود، یا حتی برای مدت محدودی به موجب حکم دادگاه تعطیل گردد چه تاثیری در سطح جامعه و بر کسانی که از خدمات آن وزارتخانه یا مؤسسه استفاده می‌کنند باقی خواهد گذاشت. بنابراین اعمال بعضی از ضمانت اجراهای کیفری برای دولت موجب تقلیل قدرت عمومی دولت و تحقیر او می‌شود و باعث خلل در اختیارات دولت خواهد شد زیرا اساساً خدماتی که به عهده‌ی دولت‌ها و مؤسسات عمومی می‌باشد بر اساس یک ضرورت برای اجتماع می‌باشد و برای پاسخگویی به یک نیاز عمومی می‌باشد، مانند حفظ و برقراری نظم، تأمین بهداشت عمومی، حق ارتباط، تعلیم و آموزش و... که این نیازهای عمومی باید به طور استمرار وجود داشته باشد و گرنه قطع این خدمات و یا محدود کردن آنها به موجب حکم کیفری باعث به وجود آمدن بزه‌دیدگی ثانویه‌ی برای افراد جامعه که حق استفاده از آنها را داشته‌اند می‌شود؛ پس این خدمات و اعمال باید استمرار و پایداری باشد و به هیچ وجه نباید آن خدمت را از دارندگان و استفاده‌کنندگان از آن حق دریغ نمود<sup>۳</sup>. همان‌گونه که در قانون (چه در قانون ایران و چه در قانون فرانسه) دولت را از مسئولیت معاف نموده، ولی استثنائاتی نیز وجود دارد که در آن دولت (به معنای حاکمیت) نیز دارای مسئولیت کیفری می‌باشد. در قانون جزای فرانسه از خدماتی نام برده که قابلیت تفویض و نمایندگی به اشخاص دیگر را ندارد و در قانون ایران از خدماتی که اعمال حاکمیت نام دارند یاد شده‌اند، که دولت در این موارد دارای مسئولیت کیفری نمی‌باشد.

قانون صراحتاً دولت و مؤسسات عمومی را که فعالیتشان قابلیت تعویض اعطای نمایندگی به

۱. جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۸)، اصول سیاست و حکومت، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۵.

۲. شاو، مالکوم ناتان (۱۳۹۴)، مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، ترجمه‌ی اسماء سالاری، چاپ اول، تهران: خرسندی، ص ۱۴۱.

۳. صفار (۱۳۹۷)، پیشین، ص ۶۱.



اشخاص دیگر را ندارد؛ مستثنی کرده است، این عبارت صریح در این معنی است که مؤسسات عمومی ملی یا منطقه‌ای که نوع فعالیت خدماتی که انجام می‌دهند، قابل واگذاری به بخش‌های دیگر اعم از عمومی با خصوصی نیست، از نظر کیفی مسئولیت ندارد. لازم به ذکر است که قدرت عمومی در تقسیم اول دو نوع عمل انجام می‌دهد؛ اعمال حاکمیت و اعمال تصدی<sup>۱</sup>. آنچه که در قلمرو اعمال حاکمیت دولت و قدرت عمومی قرار می‌گیرد، مانند قانون‌گذاری و اداره سیاسی دولت و مؤسسات عمومی و قضاء و قانون‌گذاری و مانند آن، موجب مصونیت دولت و کارگزاران آن از تعقیب و مسئولیت‌گیری است<sup>۲</sup>. مصونیت سیاسی، پارلمانی و قضایی نمایندگان مجلس و ماموران سیاسی و کنسولی و صاحب منصبان قضایی از همین قاعده نشأت گرفته است. ولی علاوه بر آن مؤسسات عمومی همانند اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، به اعمالی اشتغال می‌ورزند که قابلیت واگذاری انجام آنها به موجب قرارداد وجود دارد، مانند واگذاری انحصار انجام خدمات آب و برق و تلفن و غیره به اشخاص حقوق عمومی یا خصوصی<sup>۳</sup>. در این زمینه مؤسسات عمومی همانند اشخاص حقوقی دیگر مسئول هستند و طبق شرایطی که در قانون پیش‌بینی شده قابل تعقیب و مجازات می‌باشند. بالاخره از میان فعالیت‌هایی که دارای وصف خدمات عمومی هستند، فقط آن فعالیت‌هایی که مشمول موضوع اعطاء نمایندگی به موجب قرارداد می‌باشند بر حسب اقتضاء مسئولیت‌گیری اشخاص را که عهده‌دار انجام آنها هستند موجب می‌شود.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

آنجا که اشخاص اخیر در مقام اعمال حاکمیت مرتکب جرمی شوند، بنا به ملاحظه‌هایی چون جلوگیری از کاهش اقتدار سیاسی، عدم اختلال در وظیفه خدمت‌رسانی و داشتن امتیاز انحصاری مجازات بزهکاران، مصون از مسئولیت‌گیری هستند اما در حالتی که آنها در چارچوب اعمال تصدی - اعمالی که قابل تفویض به بخش خصوصی است - مرتکب جرم شوند، بنا به اصل تساوی اشخاص در برابر قانون، گریزی از مسئولیت نخواهند داشت. همچنین در هر دو نظام مورد بحث،

۱. جهان‌بزرگی (۱۳۷۸)، پیشین، ص ۵۹.

۲. شاو (۱۳۹۴)، پیشین، ص ۱۴۱.

۳. فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۹ب)، جرم‌شناسی و مسئولیت‌گیری، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۲۸.

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مسئولیتی نیابتی و غیرمستقیم است. مسئولیتی که نه از طریق تفحص و احراز تقصیر در فرهنگ، سازماندهی و خط‌مشی اشخاص حقوقی بلکه از مجرای خطای نماینده‌ی انسانی که به حساب آنها مرتکب جرم میشوند، ایجاد می‌شود. ناگفته نماند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، محملی برای رهایی اشخاص حقیقی مقصر از تعقیب کیفری نیست و آنها نیز به اعتبار برخورداری از اراده‌ی آزاد مسئول هستند. در زمینه اینکه اشخاص حقوقی اهلیت ارتکاب کدامیک از جرائم را دارند، نگرش نظام‌های حقوقی در مقطع‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است. چنانکه قانونگذار فرانسه در گام نخست با تنظیم سیاهه‌ای از جرائم، اشخاص حقوقی را قادر به ارتکاب آنها معرفی کرد اما با گذر زمان و فاصله‌گیری از نظریه فرضی بودن ماهیت اشخاص مزبور، آنها را مانند اشخاص حقیقی، توانا بر ارتکاب عموم جرائم، جز آن دسته که مختص انسان است، تلقی کرد. قانونگذار ایران نیز پیش از سال ۱۳۹۲ با تصویب مقرره‌های موردی و پراکنده، برخی از جرائم را به اشخاص حقوقی نسبت داده بود اما از زمان تصویب قانون مذکور، کلیه جرائم، به جز جرائم شرعی مستحق حد و قصاص توسط اشخاص حقوقی قابل ارتکاب دانسته شدند. بهرغم اذعان بر اهلیت اشخاص حقوقی در ارتکاب همه جرائمی که اشخاص حقیقی قادر به ارتکابند، نمیتوان در مورد نسبت اعمال همه مجازات‌های اشخاص حقیقی بر اشخاص حقوقی معتقد بود؛ هرچند ماهیت خاص اشخاص حقوقی، ضمانت اجراهای متناسب با آنها را ایجاد میکند. نظامهای کیفری فرانسه و ایران با درک این واقعیت، ضمانت اجراهای بایستهایی چون جریمه، ممنوعیت از فعالیت شغلی و حرفه‌ای، ممنوعیت از افزایش سرمایه، ممنوعیت از صدور سندهای تجاری و انتشار حکم محکومیت برای این منظور در نظر گرفته‌اند.

این نوشتار ضمن بررسی دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران، به قوانین و شرایط مختلف مربوط به آن پرداخته که ماحصل آن، استخراج خلأها، نواقص و ارائه راهکارهای فروگشا به ترتیب ذیل است:

۱. سؤالات، ابهامات و دغدغه‌های موجود در زمینه آثار و ابعاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فراتر از آن است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تنها با اختصاص چهار ماده یارای پاسخگویی به آنها را داشته باشد. اهمیت موضوع ایجاب می‌نماید که با تخصیص موادی بیشتر یا حتی تدوین قانونی مستقل، به زوایای ماهوی و شکلی این مسئولیت به نحو عمیق‌تری پرداخته شود.

۲. قانون مجازات اسلامی بی هیچ قیدی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نسبت به مطلق جرایم ممکن دانسته است. با توجه به اینکه ارتکاب برخی از جرایم چه به واسطه ذات انسانی آنها و چه به دلیل مجازات انسانی آنها از سوی اشخاص حقوقی میسر نیست، مقید نمودن اطلاق مزبور ضروری است.

۳. عبارت «در راستای منافع آن شخص حقوقی مرتکب جرمی شود» ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، ارتکاب جرایم عمدی از سوی اشخاص حقوقی را به ذهن متبادر می‌سازد. آیا قانون‌گذار اعتقادی به ارتکاب جرایم غیرعمدی از سوی آنها ندارد؟ آیا خطا و تقصیر منجر به محیط خطر از سوی اشخاص مزبور در زمینه‌های مختلف کار، بهداشت، تولید، حمل و نقل تنها موجب مسئولیت مدنی است؟ یا اینکه قانونگذار از عبارت مزبور چنین مقصودی ندارد؟ به شرحی که آمد، پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی مسبوق به اعتقاد به وجود رکن روانی اعم از عمد و خطا در نزد این اشخاص است و از آنجا که بسیاری از جرایم بر پایه خطا و تقصیر به منصفه ظهور می‌رسند، مسئول دانستن اشخاص حقوقی در این زمینه همچون اشخاص حقیقی اجتناب ناپذیر است. در هر صورت ابهام‌زدایی از ماده مزبور جهت شفاف شدن موضع قانون‌گذار واجد اهمیت است.

۴. ماده (۱۴۳) قانون مورد بحث در بیان شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشعار می‌دارد «..... نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود» از آنجا که اجتماع هر دو شرط مذکور بر پایه تحقق مسئولیت اشخاص حقوقی ضرورت دارد. تبدیل حرف ربط (یا) به حرف (و) منطقی‌تر است.

## فهرست منابع

### فارسی:

۱. ابطحی، شماره (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی و دولت در قوانین ایران، مجله گزارش، شماره ۲۵۱.
۲. جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۷۸)، اصول سیاست و حکومت، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. دانا، امیررضا و همکاران، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی نسبت به جرایم زیست محیطی، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۴۰۰.
۴. رستمی، ولی، سپهری، کیومرث، اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی حقوق عمومی، موانع و راهکارها، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹.
۵. رضایی‌زاده، محمدجواد، داوری، محسن، تفکیک صلاحیت‌های اشخاص حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۴.
۶. زمانی، قاسم (۱۳۹۵)، واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۱.
۷. سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایت سازمان یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹.
۸. شاو، مالکوم ناتان (۱۳۹۴)، مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، ترجمه‌ی اسما سالاری، چاپ اول، تهران: خرسندی.
۹. شریفی، محسن و همکاران، دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲.
۱۰. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ اول، نشر دانا، ۱۳۷۳.

۱۱. صفایی آتشگاه، حامد و سلامی، مهرداد (۱۳۹۳)، مسئولیت سران و نظامیان دولت‌های متجاوز در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳.
۱۲. طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، چاپ شانزدهم، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
۱۳. فرج‌الهی، رضا (۱۳۸۹ب)، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۴. محمدی، حمید (۱۳۹۸)، مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۲.
۱۵. محمدی، قاسم، خانی‌زاده، علیرضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در عرصه داخلی، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۱۶. مرادی، محمد و همکاران، مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و شورای اروپا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۷، ۱۴۰۰.
۱۷. نبی‌پور، محمد (۱۳۸۹)، شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی، مجله حقوق تعالی، سال دوم، شماره ۷.

### انگلیسی:

18. Stéfani (Gatson), Levasseur (Georges) Bouloc (Bernard), précis do Droit pénal général, 20° ed. Dalloz 2008.

## Conditions and scope of criminal liability of public law entities in the legal systems of Iran and France

Hamid Taghizade<sup>1</sup>

Ali Chekandi Nejad<sup>2</sup>

Seyed Hassan Hashemi<sup>3</sup>

### Abstract

With the growth of legal entities, the debate over the possibility of committing a crime by them and their responsibility for committing a crime arose among jurists around the world. Obviously, due to the different nature of legal entities from natural persons, the penalties applicable to these persons should also be in different cases from natural persons. Article 20 of the Islamic Penal Code of Iran is dedicated to determining the penalties applicable to legal entities. The emergence of criminal responsibility of legal entities in the Iranian penal system – as a principle – and the precedent of this issue in the French penal system, provided a great opportunity for a comparative study of these two systems before this descriptive–analytical study. . Realizing this fact, the French and Iranian criminal regimes have provided guarantees for the implementation of mandatory measures such as fines, prohibition of professional and professional activities, prohibition of capital increase, prohibition of issuing commercial documents and issuance of convictions for this purpose.

**Keywords:** Criminal liability, public law entities, Iran, France, government liability

---

1. h.taghizade1363@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran, a.chekandinjd@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Birjand, Iran, h.hashemi9878@gmail.com